

گفت و گو با نوجوان ۱۵ ساله ای که معتاد به دنیا آمد

هر کام مرگ ۳۰ هزار تومان!

سجاد پور -عقربه های ساعت ۵ بامدار انشان

می داد که نیروهای گشت کلانتری سپاد مشهد به یک خودروی سواری در حال حرکت مشکوک شدند. بررسی های غیر محسوس پلیس بیانگر آن بود که سر نشینان خودرو قصد ارتکاب جرمی را دارند به همین دلیل آن ها، خودروی مذکور را متوقف کردند و با دیدن اسلحه کلت که به طرز ماهرانه ای جاسازی شده بود، بلافاصله حالت دفاعی گرفتند و بارعبایت موار دایمنی، راننده ۴۸ ساله و نوجوان ۱۵ ساله را از خودرو پیاده کردند چرا که احتمال می دادند راننده سلاح دیگری نیز همراه داشته باشد. در بازرسی از داخل خودرو، ۴۰۰ گرم مواد مخدر از نوع حشیش در حالی کشف شد که بررسی های مقدماتی نشان می داد اسلحه کلت از نوع ساچمه زنی است. گزارش خراسان حاکی است، به دستور سر گرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد) راننده خودرو به همراه نوجوان ۱۵ ساله و برای انجام تحقیقات بیشتر به کلانتری هدایت شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. تحقیقات نیروهای انتظامی بیانگر آن بود که نوجوان ۱۵ ساله توسط راننده خودرو اغفال شده است تا از این طریق مواد مخدر را در ساعات اولیه بامداد توزیع کنند. در ادامه بازجویی ها مشخص شد م در ۴۸ ساله که خود در زمینه بسته بندی تخم مرغ فعالیت دارد با بهانه به کار گیری نوجوان ۱۵ ساله برای کار در بسته بندی تخم مرغ، او را اغفال کرده است و به عنوان پوشش برای توزیع مواد مخدر استفاده می کند. این خرده فروش مواد مخدر در قبال این کار، پول مصرف مواد مخدر را به پسرک می داد تا

مواد را برای او جابه جا کند.

این نوجوان پس از آن که به سوالات تخصصی کارشناسان دایره مددکاری اجتماعی کلانتری پاسخ داد در گفت وگویی کوتاه سر گذشت خود را نیز برای مخاطبان خراسان شرح داد. آن چه می خوانید نتیجه این گفت و گو با نوجوان ۱۵ ساله معتادی است که اسیر قانون شده است.

اهل کجایی؟ در شهرستان اسفراین (خراسان شمالی) به دنیا آمدم..

پس در مشهد چه کار می کنی؟ حدود یک سال قبل به خاطر این که برادر بزرگ ترم شغل مناسبی برای خودش پیدا کند از اسفراین به مشهد مهاجرت کردیم و در منطقه شهر کنوید ساکن شدیم.

پدرت چه کاره است؟ شغلی ندار د! پدرم به خاطر بیماری بیکار است ولی

از یکی از مراکز امدادی حقوق می گیر د و با آن روزگاری گذران د.

تا کلاس چند تحصیل کردی؟ من تا کلاس پنجم ابتدایی در س خواندم ولی بعد ترک تحصیل کردم.

چرا؟ چون هیچ علاقه ای به درس و مدرسه نداشتم.

پدرت معتاد است؟ بله! به خاطر همین بیماری، مواد مخدر سنتی (شیره) مصرف می کند. **مادر ت چطور؟** او نیز در کنار پدرم مواد مصرف می کر اما اکنون مدتی است که به قرص های

مخدر دار مانند متادون معتاد شده و از این نوع فرص هامصرف می کند. **مادر ت خانه دار است؟** بله! **مخارج اعتیادش را چه کسی می دهد؟** پدرم هزینه های زندگی و اعتیاد را تامین می کند.



شما از چه زمانی به مصرف مواد مخدر آلوده شدی؟ من زمانی که به دنیا آمدم در واقع معتاد بودم چرا که مادرم در آن زمان اعتیاد شدیدی داشت و پزشکان تشخیص داده بودند که من هم معتاد هستم.

یعنی از نوزادی مواد مصرف می کردی؟ بله! ولی مدتی بعد مادرم مرا در مراکز درمانی بستری کرد و درمان شدم.

پس دوباره چه زمانی به سراغ مواد رفتی؟ زمانی که ۱۰ سال بیشتر نداشتم دوباره به صورت پنهانی مصرف شیره را شروع کردم!

در این سن و سال چگونه هزینه های اعتیاد را

در دستور کار قرار دادند.

وی ادامه داد: در این خصوص پس از بررسی های اولیه صحنه حادثه و واکاوی سرنخ های به دست آمده از مدارک و اوراق سوخته شده آزادشهر سیرجان و داخل یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۷ سوزانده شده بود، بررسی موضوع را

تامین می کردی؟

آن زمان پولی برای خرید مواد نمی دادم! پدرم بساط مواد مخدر مصرفی اش را همیشه کف اتاق پهن می کرد من هم از هر فرصتی برای سرعت مواد مخدر استفاده می کر دم و همین موادی را که در دیده بودم پنهان می کردم تا هنگام خماری استفاده کنم!

ولی گفتی مواد مخدر صنعتی استفاده می کنی؟ بله! الان «شیشه» می کشم یعنی از وقتی به مشهد مهاجرت کردیم سراغ مواد مخدر صنعتی رفتم! **چرا؟** چون توسط یکی از دوستانم وسوسه شدم و از سوی دیگر هم با مواد سنتی حال نمی کردم یعنی مقدار مصرفم بالا رفته بود و زیاد خماری می شدم!

اولین بار کجا مواد مخدر صنعتی مصرف کردی؟ بایکی از دوستانم به باغی در حاشیه شهر رفته بودیم که با تعارف او وسوسه شدم و برای اولین بار شیشه کشیدم! **چرا دوباره ادامه دادی؟** به خاطر این که دوستم می گفت: بهای خرید مواد مخدر صنعتی کمتر است اما وقتی آلوده شیشه شدم تازه فهمیدم که چه اشتباه بزرگی کرده ام و این گونه فریب خوردم!

کار هم می کنی؟ بله! برادر بزرگ ترم در کار لوله کشی و تاسیسات ساختمان است! من هم در کنار او کار می کردم.

تا به حال مواد مخدر را ترک کرده ای؟ بله! یک

عامل قتل و سوزاندن زن سیرجانی دستگیر شد

فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان گفت: در پی اقدامات پلیسی بعدی مشخص شد عامل این قتل، شوهر مقتول بوده است که این متهم در مراحل بعدی دستگیر شد. وی افزود: این متهم پس از انتقال به اداره پلیس آگاهی لب به اعتراف گشود و به انجام این قتل

برادرم مرا در خانه بستری کرد و با داروهای که برابم گرفته بود حدود سه ماه پاک بودم ولی بعد از آن دوباره و پنهانی ادامه دادم. **یعنی هنوز هم کسی از اطرافیان ت نمی داند که معتادی؟** چرا! فقط مدتی بعد از ترک پنهانی مصرف کردم ولی خیلی زود همه فهمیدند که باز هم به سراغ موادرفته ام. **پدر و مادر ت تور اسرزنش نمی کنند؟** البته مقصر اصلی آن ها هستند چرا که پدر و مادرم الگوی من بودند! **چگونه توسط مر د ۴۸ ساله اغفال شدی؟** او به برادرم گفته بود که مرا در زمینه بسته بندی تخم مرغ به کار می گیر د ولی بعد برای تامین مخارج اعتیادم از من خواست که همراهش بروم! **روزی چقدر هزینه اعتیاد ت است؟** من الان حداقل روزی ۳۰ هزار تومان شیشه می کشم! **یعنی هر «کام مرگ» ۳۰ هزار تومان؟** بله! ولی اگر پول داشته باشم بیشتر استفاده می کنم!

اسلحه مال چه کسی است؟ مال دوست برادرم است من خبر ندا م ولی او می گوید برای آن که بچه ها به خودر دست نزند اسلحه ساچمه ای دار د!

خو اهرم داری؟ نه! من فقط یک برادر دارم. **چرا برای جابه جایی مواد با اورفتی؟** نه! من نمی دانستم که او مواد مخدر (حشیش) به همراه دار د پولی را به خاطر کار در بسته بندی تخم مرغ به من می داد!

پشیمانی؟ خیلی! چون اعتیاد انسان را به هر کاری مجبور می کند.

به سبب اختلافات قبلی با همسرش و عصبانیت شدید در شب حادثه اقرار کرد و هم اکنون این پرونده به منظور تحویل متهم به مرجع قضایی در حال تکمیل است. بنا بر این گزارش، مقتول، ۱۳ سال زندگی مشترک با همسرش داشته که نتیجه آن یک پسر ۱۲ ساله و یک دختر پنج ساله است.

ماجرای کتک خوردن ۲ امدادگر آتش نشانی در مشهد!



تماس در ساعت ۲۱:۳۱ در ساعت ۲۱:۳۳ به محل حادثه رسیده بودند با حضور نیروهای پشتیبانی اقدام به اطفای حریق کردند که متأسفانه بر اثر تخریب ناشی از آتش سوزی نیز دو نفر از امدادگران دیگر آتش نشانی از ناحیه کمر آسیب دیدند و برای درمان به بیمارستان منتقل شدند. در همین حال و بر اساس گزارش روابط عمومی آتش نشانی، حادثه تاسف بار کتک خوردن دو آتش نشان زحمت کش از طریق قانون و دایره حقوقی آتش نشانی مشهد در حال پیگیری قضایی است.

■ **آتش سوزی مهیب در بازار مواد غذایی** در همین حال آتشباد مسعود ظهوریان مدیر عامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد از مهار آتش سوزی مهیب در بخشی از بازار مواد غذایی و خشکبار مصلای این شهر خبر داد. در پی اعلام وقوع این حادثه ستاد فرماندهی بلافاصله بیش از ۱۲۰ آتش نشان به همراه بیش از ۳۰ خودروی سبک و سنگین و اتناکرهای پشتیبانی اطفای حریق را به محل حادثه اعزام کردند که با سرعت عمل آتش نشانان حریق مهار آتش سوزی را تسلیت به دیگر قسمت های این بازار بزرگ جلوگیری به عمل آمد. مدیرعامل آتش نشانی مشهد خاطر نشان کرد علت دقیق وقوع آتش سوزی از سوی کارشناسان در دست بررسی است.

پایان قدرت نمایی "شِرک" در کرمان

کرمانی / یک نفر از اذل و اوباش معروف و مشهور و تحت تعقیب پلیس در عملیات نیروهای انتظامی کرمان به دام افتاد. به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان کرمان در این باره گفت: به دنبال دریافت گزارش های مردمی، مبنی بر ایجاد مزاحمت برای نوامیس، اخلاص در نظم عمومی و ایجاد رعب و وحشت توسط یکی از اراذل و اوباش سابقه دار معروف به "شِرک"، پیگیری موضوع به صورت ویژه در دستور کار ماموران پایگاه امنیت عمومی قرار گرفت. سرهنگ مهدی پورایمینی با اشاره به رصد روزنی های اطلاعاتی ماموران

توکلی / مرد جوانی که در یک اقدام جنون آمیز و هولناک همسر ۳۰ ساله اش را درون خودرو به آتش کشید و به طرز فجیعی کشت، در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شد.

به گزارش خراسان، فرمانده انتظامی شهرستان سیرجان با اشاره به وقوع قتل و سوزاندن یک زن جوان درون یک دستگاه خودرو در یکی از نقاط این شهر افزود: عامل این

شهر چاپ خراسان

شهر چاپ خراسان با پیشرفته ترین دستگاه های چاپ، صحافی و بسته بندی و بیش از نیم قرن سابقه در صنعت چاپ کشور آماده ارائه خدمات می باشد

[دفتر و نوشت افزار] [کتاب و نشر] [اوراق اداری] [مجلات و مطبوعات]

[چاپ بسته بندی، پکیجینگ و جعبه] [بروشور، کاتالوگ، پوستر، تراکت، لیبل]

[ساک دستی، محصولات تبلیغاتی چاپی] [محصولات فرهنگی و بازی]

[چاپ کاغذ دیواری] [چاپ بنر] [لمینت و پلات رنگی] [چاپ دیجیتال]

[چاپ روی اشیا،] [هدایای تبلیغاتی] [سرر سید تقویم رومیزی] [کاغذ کادو]

آرتبساط با ما:
۰۵۱-۳۷۰۰۹۷۱۳-۲۰
@shahrechap.khorasan

مشهد، بلوار شهید صادقی (سازمان آب) نبش شهید صادقی ۱۸ ساختمان شماره یک روزنامه خراسان
www.shahrechap.ir

در امتداد تاریکی

شرط عجیب برای طلاق هوو!

برای آن که پول مهریه هوویم را تامین کنیم تا همسر ما و اطلاق بدهد به سرعت از فروشگاه ها روی آوردم و با ترندهای مختلف به دخل مغازه ها دستبرد می زدم اما مدتی بعد همسر م برای طلاق دادن هوویم شرطی گذاشت که حس نفرت همه وجودم را فرا گرفت و به فکر انتقامی وحشتناک افتادم و...

زن ۴۰ ساله که مدعی بود شعله های انتقام از همسرش همچنان در وجودش زبانه می کشد اما از رسوایی و آپروریزی هر می ترسد در باره مشکلی که زندگی اش را به اشک های گرم و سوزان شبانه روز پیوند می داد به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۱۸ سال بیشتر نداشتم که با «آرین» ازدواج کردم.

مدتی بعد او در یکی از ادارات دولتی استخدام شد و این گونه زندگی ما روی ریل خوشبختی قرار گرفت. همسرم در امور فرهنگی اشتغال داشت و در کنار یکدیگر فراز و نشیب های زندگی را طی می کردیم اگر چه مانند خیلی از زوج های جوان گاهی مشاجرات لفظی جزئی یا بگو مگو هایی بین ما رخ می داد که به قول معروف شیرینی زندگی بود، هیچ مشکل خاصی با هم نداشتم یار و یاور یکدیگر بودیم در شرایطی که پسر و دخترم هر روز قد می کشیدند و من در خوشی های زندگی مشترک غرق بودم همواره تلاش می کردم تا محیطی آرام و توأم با آسایش برای خانواده ام فراهم کنم اما هشت سال قبل ناگهان توفان سهمگینی در زندگی ام وزیدن گرفت و همه این خوشی ها را در هم پیچید در حالی که دختر دیگرم به دنیا آمده بود من از نیازهای عاطفی همسرم غفلت کردم و نمی توانستم به درستی نیازهای ضروری او را برآورده کنم. خلاصه در همین روزها بود که متوجه تغییر رفتارهای همسر شدم.

او بیشتر اوقات در حال ار سال پیامک یا گفت وگوهای تلفنی پنهانی بود. ابتدا اهمیتی به موضوع ندا د اما زمانی که فهمیدم طرف مقابل اس را سال این پیامک ها مادر یکی از شاگردان همسر م است خیلی به موضوع حساس شدم وقتی مخفیانه گوشی همسر م را بررسی کردم تازه در یافتم که آرین از چند ماه قبل «ر کسانا» را که زنی مطلقه بوده به عقد موقت خودش در آورده است و به بهانه آموزش خصوصی به شاگردش در واقع با هوویم ارتباط برقرار می کرد. وقتی موضوع را برای همسر م بازگو کردم او در مقابل چهره حیرت زده من خیلی طبیعی از دواج موقت اش را پذیرفت و مدعی شد چاره ای جز از دواج نداشته است اگر چه آن شب تا صبح اشک ریختم اما به خاطر ترس از آپرو و همچنین جلوگیری از ضربه روحی دختر و پسر جوانم، از آرین خواستم ماجرای از دواجش را علنی نکند ولی از آن روز به بعد او زمانی که پیامک های ر کسانا را به من نشان می داد یا جملات عاشقانه او را برابم بازگو می کرد خیلی زجر می کشیدم و اذیت می شدم دیگر آن روزهای شیرین به روزگاری تلخ تبدیل شده بود و من بعد از هر مشاجره و بگو مگو ساعت ها اشک می ریختم تا این که از آرین خواستم آن زن را طلاق بدهد! ولی همسر م مدعی بود پولی برای پرداخت مهریه ر کسانا ندارد و باید پنج سال منتظر بنامم تا مدت زمان عقد موقت او سپری شود در این شرایط همواره افکارم در گیر بود تا چاره ای برای رها شدن از شر این زن پیدا کنم تا این که تصمیم گرفتم به هر طریق ممکن پول مهریه او را فراهم کنم.

این بود که به سرعت از مغازه ها روی آوردم و با شگردی خاص به دخل فروشگاه ها دستبرد می زدم ولی مدتی بعد پشیمان شدم چرا که با این کار بار گناهانم بیشتر می شد به همین دلیل از خیر این دستبرد ها گذشتم و تصمیم گرفتم پول های سرتقی را به صاحبان مغازه ها بازگردانم و با کار کردن در بیرون از منزل مهریه هوویم را تامین کنم.

همسر م از کار های ناشایست من خبری نداشت ولی هنگامی که به او گفتم قصد دارم با کار کردن در بیرون از منزل پول مهریه هوویم را فراهم کنم، او با پررویی و بدون هیچ گونه شرم و خجالتی به من گفت: در صورتی بر که طلاق ر کسانا را امضا می کند که من اجازه بدهم او با زن دیگری و به صورت رسمی ازدواج کند!

باشنیدن این حرف ها حس نفرت از آرین در همه وجودم ریشه واند و تصمیم به انتقام از او گرفتم احساس می کردم باید از آرین طلاق بگیرم و در برابر چشمانش با مرد دیگری ازدواج کنم اما...

شایان ذکر است بررسی کارشناسی و روان شناختی ماجرای این زن در حالی با صدور دستوری ویژه از سوی سرگرد مهدی کسروی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) به مشاوران زده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد که زندگی این زوج در آستانه فروپاشی یا وقوع حوادث وحشتناکی قرار داشت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی